



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

رشته آموزش و پرورش تطبیقی

عنوان پژوهش:

" تحلیل و تطبیق اندیشه‌ها و آموزه‌های تربیتی دانشمندان مسلمان ایران زمین؛
فارابی، غزالی، سعدی و خواجه نصیرالدین طوسی "

استاد راهنما: جناب آقای دکتر احمد آقازاده

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی

استاد داور: جناب آقای دکتر عباس عباس پور

دانشجو: مهدیه سعادت‌تی

سال تحصیلی ۹۰-۸۹

«یا خالق اللوح و القلم»

به نام نور، به نام شور و به نام حضورت ای برترین بهین ها

و ای یآوری که تا بخوانمت، اجابت می کنی.

می دانم که لطفت بی حصار و توانم ناچیز است،

این بار هم صدای بی صدایم را پذیرا باش؛

تعجیل در فرج حجتت، درود بر راهیان حقت، صحت بر مربیان پرصلابت

و رحمت بر

روح ارغوانی پدرم و سلامتی ی مهرم «مادر» ،

آنان که وجودشان برایم همه عشق بود و وجودم برایشان همه رنج. توانشان رفت تا به توانایی برسم. وجودشان

سپیدی گرفت تا روی سپید بمانم. آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلام شان و روشنی روی شان سرمایه

جاودانگی زندگی ام بوده است. در برابر وجود گرمی شان زانوی ادب بر زمین می نهم و با دلی ملامال از عشق و

محبت بر دستشان بوسه می زنم. برادران و خواهرم که مهرشان در پس هر احساس من است و به همه کسانی

که دوستشان دارم.

و تو ای آشنا که ورقی از آن را می گشایی.

و از تو ای والا،

می خواهم که همیشه به یادم بیاوری که هستی من به رحمتت، تلاش من به کرمتم و رفتنم به

عشقت بالنده است.

سپاس و قدردانی:

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که به من فرصتی عطا فرمود تا بخشی از زندگی‌م را با عالمانی فرهیخته سپری نمایم و از رهگذر این مصاحبت، به بسط بینش مبتنی بر یادگیری‌ام یاری رسانم. بر خود لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر را از اساتید بزرگوارم که این پایان‌نامه به مساعدت‌شان به انجام رسیده است، به جای آورم:

-راهنمایی‌های بی‌دریغ جناب آقای دکتر احمد آقازاده، انجام این پروژه را میسر ساخت. بی‌نهایت سپاسگزار حضورشان هستم.

-زحمات سرکار خانم دکتر فرخنده مفیدی، نیل به هدف را هموارتر ساخت. امید است سپاس اینجانب را پذیرا باشند.

-همچنین از جناب آقای دکتر عباس عباس پور به خاطر صرف وقت و دقت نظری که مبذول داشتند و با رهنمودهای ارزشمندشان بر غنای این پژوهش افزودند، کمال احترام را دارم.

در پایان از جناب آقای دکتر سعید بهشتی که اینجانب را در انجام این پژوهش یاری و حمایت فرمودند، تشکر و سپاسگذاری می‌نمایم.

امیدوارم پژوهش پیش‌رو، پیشکشی هر چند کوچک در جهت موفقیت روزافزون ایران عزیزمان باشد.

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی اندیشه ها و آموزه های تربیتی چهار دانشمند مسلمان ایران زمین (فارابی، غزالی، خواجه نصیرالدین و سعدی) می پردازد. هدف کلی آن، تحلیل و تطبیق دیدگاه های هر یک از دانشمندان یاد شده در زمینه ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) است. جامعه مورد مطالعه شامل آثار به جامانده از چهار دانشمند مسلمان و ایرانی؛ فارابی، غزالی، خواجه نصیرالدین و سعدی است که این بزرگان با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده اند. داده های پژوهشی با مطالعه کتب مربوط به این موضوع، منابع دست اول و دوم، پایان نامه ها، مقالات، سایت های مختلف اینترنتی و همچنین تعامل با متخصصین آموزشی جمع آوری و سپس با استفاده از روش بردی (توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که هر چهار دانشمند نگاهی مشابه به تربیت به طور کلی و ارکان آن به طور جزئی داشته اند. آنان از منظر دین به تربیت نگاه کرده اند، تربیت جسم را لازمه تربیت روح می دانند. اعتدال اخلاقی را لازمه رشد می دانند و در اکثر مباحث آموزشی از قبیل خداشناسی، اعتقاد به رسول خدا و جانشینانش، داشتن اخلاق پسندیده، رعایت بهداشت، آمیختگی علم و عمل، استعدادیابی، تکرار و تمرین، روش تدریجی و تشویق و تنبیه هم رای و هم عقیده هستند. اگر هم اختلافی باشد بسیار کوچک است و در حد شدت و ضعف تاکیدات است. برنامه از نظر ایشان بر اساس سنت تدریج، دین، ورزش و بازی می باشد که تفاوت های فردی نیز در آن لحاظ می شود. معلم هم فرد عاقل، دیندار و معتدلی است که به تفاوت های افراد توجه دارد و با دانش آموزان با محبت رفتار می نماید. دانش آموز هم از نظر ایشان فردی پرهیزکار و توانا است که با دانش آموزان دیگر همکاری می نماید و هدفش از تحصیل کسب رضای خداوندی است. در یک جمع بندی کلی، فارابی نگاهی دینی-فلسفی، غزالی نگاهی دینی، خواجه نصیرالدین نگاهی دینی-طبیعت گرایی، و سعدی نگاهی اخلاقی، اجتماعی به تربیت دارد.

در آخر هم می توان گفت هر چهار دانشمند راجع به هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز نظرات مشابهی دارند و فقط در برنامه بود که غزالی مخالفت خود را با علوم طبیعی بیان کرده است در حالی که اندیشمندان دیگر با آن مخالفتی نداشته اند.

واژگان کلیدی: تحلیل و تطبیق، خواجه نصیرالدین طوسی، غزالی، سعدی، فارابی، آموزه، ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز)، تربیت و آموزش و پرورش

فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱
مقدمه	۲
بیان مسأله.....	۳
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۵
اهداف تحقیق.....	۷
سؤالات تحقیق.....	۸
تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی.....	۹
فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق.....	۱۱
مقدمه	۱۲
اسلام و تربیت پذیری	۱۲
نظریه تربیتی اسلام.....	۱۲
عقیده اسلام در تربیت پذیری.....	۱۳
ویژگی های تربیت اسلامی.....	۱۴
اساسنامه تربیت اسلامی.....	۱۵
نگاهی به نظریات تنی چند از دانشمندان غربی در باب تربیت.....	۱۹
امیل دورکیم.....	۱۹
جان لاک.....	۱۹
پستالوزی.....	۲۱

۲۲	ژان ژاک روسو.....
۲۳	هربرت اسپینسر.....
۲۴	زندگی نامه دانشمندان مورد تحقیق.....
۲۴	فارابی.....
۲۴	زندگی فارابی.....
۲۵	فلسفه فارابی.....
۲۶	تالیفات فارابی.....
۲۸	آرا اهل مدینه فاضله.....
۲۹	غزالی.....
۳۰	زندگی نامه غزالی.....
۳۲	فلسفه غزالی.....
۳۳	تالیفات غزالی.....
۳۴	احیا علوم الدین.....
۳۵	کیمیای سعادت.....
۳۸	خواجه نصیرالدین طوسی.....
۳۸	زندگی نامه خواجه نصیرالدین طوسی.....
۳۹	فلسفه خواجه نصیرالدین طوسی.....
۴۰	آثار خواجه نصیرالدین.....
۴۳	اخلاق ناصری.....

سعدی.....	۴۵
زندگی نامه سعدی.....	۴۵
آثار سعدی.....	۴۷
بوستان.....	۴۹
گلستان.....	۵۰
تعریف تربیت از دیدگاه دانشمندان مورد پژوهش.....	۵۱
پیشینه تحقیق در ایران.....	۵۲
پیشینه تحقیق در خارج.....	۵۵
فصل سوم: روش شناسی تحقیق.....	۵۸
مقدمه.....	۵۹
الف) نوع تحقیق.....	۵۹
ب) روش تحقیق.....	۵۹
ج) جامعه آماری و روش نمونه گیری.....	۶۰
د) روش تجزیه و تحلیل داده ها.....	۶۱
ه) روش جمع آوری اطلاعات و داده ها.....	۶۱
فصل چهارم: تحلیل یافته های تحقیق.....	۶۲
مقدمه.....	۶۳
۱-دیدگاه فارابی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟.....	۶۳
هدف از دیدگاه فارابی.....	۶۵

۷۸.....روش از دیدگاه فارابی.....

۹۸.....برنامه از نظر فارابی.....

۱۰۵.....ماهیت مدرسه و معلم از دیدگاه فارابی.....

۱۱۱.....دانش آموز از دیدگاه فارابی.....

۲- دیدگاه غزالی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه،...) چیست؟..... ۱۱۵.....

۱۱۵.....هدف از دیدگاه غزالی.....

۱۳۱.....روش از دیدگاه غزالی.....

۱۴۹.....برنامه از دیدگاه غزالی.....

۱۵۷.....معلم از دیدگاه غزالی.....

۱۶۱.....والدین به عنوان مربی.....

۱۶۳.....دانش آموز از دیدگاه غزالی.....

۳- دیدگاه خواجه نصیر در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه،...) چیست؟..... ۱۶۸.....

۱۶۹.....هدف از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی.....

۱۸۲.....روش از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی.....

۱۹۴.....برنامه از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی.....

۱۹۹.....جایگاه معلم.....

۲۰۱.....والدین به عنوان مربی.....

۲۰۲.....دانش آموز از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی.....

۴- دیدگاه سعدی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه،...) چیست؟..... ۲۰۵.....

۲۰۶.....هدف از دیدگاه سعدی.....

۲۳۴.....	روش از دیدگاه سعدی.....
۴۲۶.....	برنامه از دیدگاه سعدی.....
۲۷۲.....	معلم از دیدگاه سعدی.....
۲۷۶.....	وظایف والدین به عنوان مربی و معلم.....
۲۷۷.....	دانش آموز از دیدگاه سعدی.....
۲۸۶.....	۵- وجوه مشابه و متفاوت دیدگاه‌های فارابی، غزالی در زمینه ارکان تربیت چیست؟.....
۳۰۱.....	فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری.....
۳۰۲.....	مقدمه.....
۳۰۲.....	خلاصه یافته ها و بحث در مورد آن ها.....
۳۱۹.....	محدودیت ها.....
۳۱۹.....	پیشنهادات.....
۳۲۷.....	منابع و مأخذ.....
۳۳۴.....	ضمایم.....

۱-۱ ارکان تربیت از دیدگاه فارابی در یک نگاه.....	۱۱۴
۱-۲ ارکان تربیت از دیدگاه غزالی در یک نگاه.....	۱۶۸
۱-۳ ارکان تربیت از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی در یک نگاه.....	۲۰۴
۱-۴ ارکان تربیت از دیدگاه سعدی در یک نگاه.....	۲۸۴
۱-۵ اهداف تربیت از دیدگاه دانشمندان مورد پژوهش.....	۲۸۶
۱-۶ روش از دیدگاه دانشمندان مورد تحقیق.....	۲۸۷
۱-۷ برنامه از دیدگاه دانشمندان مورد تحقیق.....	۲۸۸
۱-۸ معلم از دیدگاه دانشمندان مورد تحقیق.....	۲۸۹
۱-۹ متعلم از دیدگاه دانشمندان مورد تحقیق.....	۲۹۰
۱-۱۰ وجوه مشابه و متفاوت آرای دانشمندان مورد تحقیق در زمینه هدف تربیت.....	۲۹۱
۱-۱۱ وجوه مشابه و متفاوت آرای دانشمندان مورد تحقیق در زمینه روش تربیت.....	۲۹۲
۱-۱۲ وجوه مشابه و متفاوت آرای دانشمندان مورد تحقیق در زمینه برنامه تربیت.....	۲۹۳
۱-۱۳ وجوه مشابه و متفاوت آرای دانشمندان مورد تحقیق در زمینه معلم.....	۲۹۴
۱-۱۴ وجوه مشابه و متفاوت آرای دانشمندان مورد تحقیق در زمینه دانش آموز.....	۲۹۵

فصل اول :

کلیات تحقیق

«استقلال و موجودیت هر جامعه، از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آن‌ها امکان پذیر است.» (امام خمینی "ره")

پروردگار عالم، اسلام را با مظاهر همیشگی تعلیم و تربیت، یعنی: انسان، پرورش دهنده، آموزش، خواندن و قلم آغازید و جوهر و قلم را آن مایه بزرگ داشت که بدان‌ها سوگند خورد و دانشمندان را خداترسان راستین خواند و کتاب را معجزه پیامبرش نهاد.

عنایت خاص اسلام به تعلیم و تربیت، موجب شد مردمانی فراخ مایه و کاردان برآیند که ساختار اجتماعی استوار و گسترده پدید آورند و صاحب نظام تعلیم و تربیتی شوند که توانست «احتمالاً خلاق ترین همه تمدن‌ها در زمینه علم» را بیافریند؛ تمدنی که کشت تعلیم و تربیت، قرن‌ها بدان سیراب گشت و خاستگاه محدثان، فقیهان، فیلسوفان، حافظان، ادیبان، متکلمان، ... و دانشمندانی شد که هر یک به فراخور حوزه فعالیت علمی خود دارای ارکان تربیتی بودند. بنابراین تاریخ گواه گویایی است که علم و فرهنگ تمدن دنیای کنونی، دست پرورده مسلمین و بویژه دانشمندان اسلامی ایرانی است که سهم بزرگی در پیشبرد فرهنگ و تمدن بشری داشته و دارند.

همچنین در واقع ارزش فرهنگ و اهمیت محتوایی آن به حدی است که بخش مهمی از فعالیت‌های تربیتی بایستی جداً به آن بپردازد. در واقع فلسفه و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی یک جامعه امری وارداتی نیست که فی‌المثل بخواهیم آن‌ها را از کشورهای دیگر وارد کنیم بلکه جستجویی است در متن جامعه و برگرفته از میراث فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی.

لذا با فرهنگ و نگاه دانشمندان مسلمان ایران زمین می‌توان ارکان تربیت اسلامی را در جامعه گستراند و این امید در قلب‌های ما مردم ایران زمین وجود دارد که با همت جامعه‌ای که حضرت ولی عصر (عج) بدان‌ها چشم دوخته است، مشعل فروزان تعلیم اهل بیت پیامبر گرامی اسلام (ص) سراسر گیتی را زیر پوشش خود قرار داده و جریان زندگی جامعه‌ی بشریت در مسیر انسانی خود قرار گیرد و سایه‌ی آرام بخش فرهنگ اسلامی و تعلیم نیرومند آئین جعفری تمام اضطراب‌ها و پریشانی‌های حاکم بر جهان خاکی را از پهنه‌ی گیتی زدوده و صلح و امنیت و رفاه و آسایش درونی را جایگزین آن سازد.

آری ما بحق چنین آرزومندیم که حکومتی الهی و سرشار از مبانی انسانی برپا شود و پرچم اسلام و حکومت عدل و آیین راستین الهی بر فراز جهان متمدن به اهتزاز درآید.

بیان مسأله

از آنجا که امروز عصر اختلاف های شدید میان افکار و عقاید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و بیشتر مردم جهان از این که سنت های رایج در محیط زندگی خود مورد بی توجهی و حتی دستخوش نابودی می شوند، ناراضی هستند. و از آنجا که دنیای امروز، تربیت فرزند را از نیازهای اولیه زندگی می شناسد (معیری، ۱۳۷۷، ص ۳۰). با این شرایط، شناخت و مطالعه بیشتر ارزش ها و اهمیت دادن به دین و فرهنگ، که اساس تربیت و رشد است، ضروری به نظر می رسد. از این روست که نباید هویت اصلی خویش را فراموش کنیم.

همچنین بر کسی پوشیده نیست که دانش و فناوری امروز غرب مرهون ترجمه و تعلیم کتاب ها و آثار مسلمانان و به ویژه ایرانیان بوده و دانشمندان امروز جهان به این حقیقت اذعان دارند (همان، ص ۳۲).

ثابت و استوار کردن و همچنین عمق دادن به آرمان ها، ارزش ها و مبانی فرهنگی هر جامعه توسط نظام تربیتی و آرای دانشمندان تربیتی انجام می شود. البته بازگشت به علوم گذشته و آثار و اندیشه های دانشمندان متأخر به معنی تقلید از آنان نیست، بلکه این نگاه به گذشته بر این اساس است که به فلسفه خود توجه جدی داشته باشیم و با تأمل در آن ارزش های اخلاقی که دچار آسیب های جدی شده است، دوباره کشف کنیم.

همچنین توجه و علاقه مفرط به دیدگاه های تربیتی فلاسفه مغرب زمین، موجب غفلت ما از آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان کشور خویش گردیده است.

بدین منظور در این تحقیق از چهار فرزانه ایرانی؛ فارابی، سعدی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی یاد می کنیم که اندیشه های تربیتی هر یک از ایشان، به فراخور زمان شان اعجاب انگیز است.

فارابی متفکری مسلمان و ایرانی است که به «معلم ثانی» مشهور می باشد. وی نخستین فیلسوف بزرگ در دوره اسلامی است که به میراث نظری و علمی یونان احاطه یافته و با توجه به آن ها و دیدگاه های اسلام، بانی فلسفه اسلامی شده است. وی در انواع علوم بی همتا و اهل تامل و زهد پیشه بود. این دانشمند مسلمان، تربیت را زیربنای مباحث سیاست و اجتماع می دانست و سعادت نهایی انسان را توجه به تعادل میان فلسفه و دین می پنداشت (داوری، ۱۳۷۶، ص ۶۲).

امام محمد غزالی دانشمند دیگری است که از نوابغ بشر و مفاخر ایران است و جلال الدین سیوطی، مورخ عرب در قرن نهم هجری در مورد او گفته است: «اگر بنا بود پس از حضرت محمد (ص) پیغمبری ظهور کند، او مسلماً غزالی بود» (عطاران، ۱۳۷۵، ص ۵). غزالی متفکر مشهور و مؤثر در اسلام، دارای دانش فراوان و ابتکار بی

نظیر بوده است. شخصیت خلاق و کلام اسلامی پویایی داشته است و بسیار نکته سنج و دقیق بوده است. وی سعادت انسان را در گرو وصول به قرب الهی می‌دانست و توجه به حقیقت انسان که همان باطن اوست، را مدنظر داشت و معتقد بود تربیت بعد از نبوت برترین رسالت است (همان، ص ۷).

دانشمند بزرگ مسلمان دیگر خواجه نصیرالدین طوسی است که به تعلیم و تربیت بسیار اهمیت می‌داده است. به طوری که از کتب و رساله‌هایش می‌توان چنین استنباط کرد که تعلیم و تربیت هدف اصلی وی بوده است. کتاب اخلاق ناصری یکی از کامل‌ترین کتب در زمینه مذکور است، که مبحث اخلاق را از دیدگاه منطقیون و فلاسفه بیان کرده است و درباره عادات و آداب و فضایل و رذایل اخلاق بشری از جنبه فلسفی و کنجکاوای در علت و معلول هر چیزی بررسی کرده و علت وجود هر خلق را بیان نموده است. او علم آموزی را بر هر مسلمان واجب شمرده است و حکومت فرهیختگان و حکیمان را بر مردم ضروری انگاشته است. خواجه با الهام از آیات قرآن کریم و روایات، تعلیم و تربیت فرزند را بر اولیاء و مربیان فرض دانسته و بر آموزش اجباری صحنه گذارده است (بهشتی، جلد دوم، ۱۳۷۹، ص ۱۱۵).

شاعر عارف و فرزانه، سعدی علیه الرحمه، آثار منظوم و منثور خود را، از دیدگاه اخلاق و تربیت تزیین نموده و سخنان نغز و حکیمانه خود را تحت تأثیر اندیشه‌های متعهدانه اخلاقی و تربیتی، بیان نموده است. به بیان دیگر درون مایه آثار این شاعر شیرین سخن، اخلاق و تربیت بوده است. او مفاهیم اخلاقی و تربیتی را گاهی به صورت نثر مسجع، گاه شعر عاشقانه و گاه در قالب حکایت و داستان به صورتی روان و تأثیرگذار بیان نموده است. محمدعلی فروغی درباره ی سعدی می‌نویسد: «اهل ذوق إعجاب می‌کنند که سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن گفته است ولی حق این است که [...] ما پس از هفتصد سال به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم» (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳، ص ۷۴). ضیاء موحد درباره ی وی می‌نویسد: «زبان فارسی پس از فردوسی به هیچ شاعری به اندازه ی سعدی مدیون نیست». سخنان سعدی نه مقید به زمان است نه اسیر مکان. بلکه تا زمانی که انسانیت زنده است و تا روزگاری که معرفت و شرافت در نهاد انسان‌ها حضور دارد، تازه و شنیدنی است.

در میان «آموزه های تربیتی» ایشان، «ارکان تربیت» را انتخاب کرده‌ایم، این ارکان شامل: هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز است.

هدف در تربیت بسیار مهم و ابتدای هر فعالیت تربیتی است.

برنامه نیز نقشه‌ای است که آموزش و پرورش باید طبق آن حرکت کند.

در مورد روش نیز همین بس که وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف.

معلم و دانش آموز نیز دو رکن بسیار مهم تربیت‌اند، که امروزه فعالیت‌های تربیتی درحول محور آنان شکل می‌گیرد و همچنین تعلیم و تربیت از نظر آنان مورد بررسی قرار گرفته است (مه‌دی‌ان، ۱۳۸۵، ص ۷۵).

با توجه به موارد مذکور مسأله تحقیق را به این گونه بیان می‌کنیم:

" تحلیل و تطبیق اندیشه ها و آموزه های تربیتی دانشمندان مسلمان ایران زمین؛

فارابی، سعدی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی "

اهمیت و ضرورت تحقیق

۱- اخلاق و تربیت که از آغاز زندگی بشر بر کره خاکی و تصرف او در طبیعت و جامعه وجود داشته، از مهم ترین مسائل بشریت و تعلیم و تربیت به شمار می رود. این نقش شگفت انگیز اخلاق و تربیت در زندگی انسان، بر هیچ انسان عاقلی پوشیده نیست و تا کنون هم نیاز آن مورد تردید قرار نگرفته است؛ چرا که اخلاق و تربیت صحیح می تواند انسان را به اوج اعلی برساند و اگر نادرست افتد، وی را به سقوط و تباهی کشاند. درباره اهمیت تربیت همین بس که پیشوایان دینی ما تأکید فراوان کرده اند. حضرت علی(ع) می فرماید: «ما نحل والد ولداً نحلاً افضل من ادب حسن». هیچ پدری هدیه ای بهتر از تربیت نیکو به فرزندش نداده است (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۵). همچنین امام صادق(ع) درباره فرزند، سه حق را بر پدر لازم می داند که یکی از آن ها جدیت در تربیت اوست. «فرزند بر پدر سه حق دارد؛ انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت او» (امینی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۶).

۲- در قلمرو تربیت اسلامی نیز بررسی تاریخی اندیشه‌ها و آرای تربیتی متفکران اسلامی جایگاه ممتازی یافته و راز ضرورت تحقیقی جامع در این نکته نهفته است که آگاهی از تطور اندیشه اسلامی و وقوف بر مراحل تکون و تحول فرهنگ و معرفت مسلمانان وابسته به شناسایی تاریخ آموزش و پرورش اسلامی و آرای تربیتی اخلاقی متفکران مسلمان است و از آنجا که آرا و افکار دانشمندان مسلمان متأثر از متون و معرفت دینی است، این بررسی می‌تواند محققان را در جهت پژوهش درباره تربیت اسلامی یاری رساند.

۳- ضرورت این گونه پژوهش ها هنگامی آشکارتر می‌شود که نگاهی به حجم نسبتاً وسیع تحقیقات و آثار مدوّن

در قلمرو اندیشه‌های متفکران غربی و غیر مسلمان، بیندازیم و با آثار اندک در ساحت آرای اخلاقی - تربیتی دانشمندان مسلمان مقایسه کنیم (بهشتی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱).

۴- برای شناخت تربیت، شناخت ارکان تربیت اعم از هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز، ضروری است؛ چرا که هدف، جهت امور را تعیین ساخته و فعالیت‌ها را هماهنگ می‌سازد. همچنین با داشتن هدف می‌توانیم فعالیت‌های تربیتی را ارزشیابی کرده و کارایی آن‌ها را بسنجیم. برنامه تربیتی نیز که مسیر خود را از اهداف می‌گیرد، فرآیندی بسیار مهم و حیاتی است و فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز در آن سازمان می‌یابد. از طرفی در برنامه است که معلم جهت و نوع تدریس خود را مشخص می‌سازد و دانش‌آموز می‌داند که به چه صورت می‌بایست عمل کند. درخصوص اهمیت معلم و دانش‌آموز نیز به این نکته بسنده می‌کنیم که آن‌ها دو رکن مرکزی تربیت‌اند. در واقع تمام فعالیت‌های مذکور مانند تدوین هدف، سازماندهی برنامه و انتخاب روش به خاطر تربیت دانش‌آموز است و تربیت نیز به راهنمایی معلم شکل می‌گیرد و انجام می‌شود. برای رسیدن به اهداف تربیتی به روش‌ها و یا قیدهایی نیاز داریم که از طریق آن‌ها به این اهداف دست پیدا کنیم. بنابراین ضرورت و اهمیت روش‌ها نیز در واقع همان وصول به اهداف است. با توجه به موارد مذکور تا حدودی اهمیت تربیت و ارکان آن مشخص شد (مه‌دی‌ان، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

۵- ما در این تحقیق به بررسی نظرات چهار دانشمند بزرگ به شکل تطبیقی پرداخته ایم. فارابی فیلسوف بزرگی است که او را مؤسس فلسفه اسلامی و معلم ثانی دانسته‌اند، غزالی دانشمند نامداری است که در زمان خویش به اکثر علوم و دانش‌ها دست یافته و به ریاست نظامیه بغداد که از بزرگ‌ترین مناصب اجتماعی و فرهنگی بوده، رسیده است. خواجه نصیرالدین هم فیلسوف و حکیم بلندآوازه‌ای است که جامع علوم عقلی و نقلی و از دانشمندان و چهره‌های علمی ایران و مشرق زمین به شمار می‌رود و سعدی چهره نامدار ادب و تربیت انسانی است که در گلستان و بوستان خود باغی پر از اندوخته‌های ناب خلق کرده است. با این توصیف، بعدی دیگر از اهمیت این تحقیق مشخص می‌شود. زیرا این پژوهش، یک پژوهش تطبیقی - مقایسه‌ای است که با بررسی‌های تطبیقی، زمینه را برای انتقاد و رفع مشکلات نظام آموزش و پرورش فراهم می‌کند و اداره‌کنندگان چنین دستگاهی را در کشف و تحلیل مسائل تربیتی و نیز در برنامه‌ریزی برای نظام تعلیم و تربیت یاری می‌دهد (آقازاده، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۳).

۶- از سوی دیگر، پاره‌ای از واحدها و سرفصل‌های دانشگاهی مرتبط با این مبحث وجود دارد و این تحقیق می‌تواند قدمی هر چند کوچک در جهت پاسخ‌گویی به برخی از نیازهای آنان باشد (همان منبع، ص ۲).

۷- نتیجه این که ایجاد ارتباط نسل جوان با گذشته پربارش، بی شک در شکل دهی شخصیت و حیثیت فرهنگی، تربیتی، ادبی و تاریخی جامعه بسیار مؤثر است. جوانی که به شجره نامه تاریخی، تربیتی خود آگاهی ندارد و بلکه به دلایلی با سوء ظن هم به آن نگاه می کند، چگونه می تواند حافظ شرف، اصالت و فرهنگ پربار کشور و وطنش باشد و در راه اعتلای این مهم گام بردارد. توجه دادن آن ها به ریشه های تنومندشان، سبب رویش دوباره شکوفه های همیشه بهارین می گردد و ضرورت دارد که مباحث نظری مربوط به تعلیم و تربیت در فرهنگ جامعه بررسی گردد و از آنجا که بسیاری از اهدافی که ناخودآگاه افراد جامعه امروز تعقیب می کنند، ریشه در گذشته فرهنگی- تاریخی دارد، با مطالعه عمیق تر آن ها، اهداف امروز جامعه، روشن تر و آشکارتر شده و با تحلیل آن ها ابهامات تربیتی برطرف می شود. البته ناگفته پیداست که در مسیر این حرکت ها هرگز نباید به گذشته و سوابق تاریخی درخشان، آن چنان پرداخت که در حصار از گذشته زندانی شد و پیوسته به گذشته دلخوش بود و با سرافرازی ها و پیروزی ها و افتخارات گذشته زندگی کرد، بلکه پرداختن به گذشته تا حدی مطلوب است که عزم و اراده پیمودن راه های نارفته آینده را برای ما هموار سازد و مهم تر از آن این است که نسل ما باید با استدلال به این امر واقف شود که گذشتگان او سهم بزرگی در بنای فرهنگ و تمدن بشری داشته اند که می توان از اندیشه و کلامشان سود جست.

آری، انسان، همواره در جستجوی چشمه معرفت بوده و هست و معرفت، گمشده واقعی هر انسانی است؛ هر چند ممکن است در این راه بلغزد و حتی گاهی به غلط راه را بپیماید. معرفتی که بشر در جستجوی آن است، عبارت است از پاسخ به مهم ترین پرسش هایش، سوال هایی درباره چرایی وجودش و مقصد اصلی اش. متون الهی برای فرونشاندن آتش عشق و علاقه بی پایان بشر به دانستن، به پرسش هایش، پاسخ های قانع کننده داده است؛ اما انسان هنوز هم خواهان بیشتر دانستن است و در این راه تمامی معارف بشر به نوعی مدیون تعالیم اخلاقی است؛ و چنین تحقیقاتی می تواند گامی برای شناساندن مراحل رشد و بالندگی تعلیمات بشر باشد.

لذا سعی شده است تا آنجا که به حیثه این پایان نامه مربوط می شود، این دانشمندان را از حوزه ارکان تربیت مورد بررسی قرار دهیم. هر چند که انسان های بلند همت و دانشمندان را چنان که هستند، مردم ساده نمی توانند بشناسند و شناختن چنین مردمانی، فقط برای افرادی میسر است که با بزرگان سنخیت داشته باشند، لذا در این مهم، مسئولیت سنگینی بر عهده محقق می باشد که امیدوارم با بضاعت اندک خویش و با استعانت از خداوند رحمان، در حد وسع و توانم این مهم را به انجام برسانم.

اهداف تحقیق

هدف اصلی هر تحقیق حل یک مشکل، پاسخ گویی به یک سؤال و یا دستیابی به روابط بین متغیرهاست.

اهداف، محقق را کمک می کند تا دریابد چه سوالاتی را بپرسد و به دنبال چه پاسخ هایی بگردد. ضرورت تحقیقات و مطالعات تطبیقی در زمینه آموزش و پرورش پس از بوجود آمدن رشته آموزش و پرورش تطبیقی در کشور دو چندان شده است. پژوهش هایی که در این حوزه در قالب مطالعات تطبیقی تربیتی انجام شده است، بسیار اندک است.

هدف کلی این تحقیق، مشخص کردن دیدگاه های فارابی، غزالی، سعدی و خواجه نصیرالدین طوسی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) است.

بنابراین ما در این پژوهش، اهداف ذیل را دنبال می کنیم: **(اهداف ویژه)**

- ۱- تعیین ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) از دیدگاه فارابی.
- ۲- تعیین ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) از دیدگاه غزالی.
- ۳- تعیین ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) از دیدگاه خواجه نصیرالدین.
- ۴- تعیین ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) از دیدگاه سعدی.
- ۵- تعیین وجوه مشابه و متفاوت دیدگاه های فارابی، غزالی، سعدی و خواجه نصیرالدین در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز).

سوالات تحقیق

سوالات تحقیق با توجه به اهداف مذکور عبارتند از:

- ۱- دیدگاه فارابی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟
- ۲- دیدگاه غزالی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟
- ۳- دیدگاه خواجه نصیرالدین در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟
- ۴- دیدگاه سعدی در مورد ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟

۵- وجوه مشابه و متفاوت دیدگاه‌های فارابی، غزالی، سعدی و خواجه نصیرالدین در زمینه ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز) چیست؟

تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی

مفاهیمی که در این تحقیق با آن سر و کار داریم، عبارتند از: تحلیل و تطبیق، خواجه نصیرالدین طوسی، غزالی، سعدی، فارابی، آموزه، ارکان تربیت (هدف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز)، تربیت و آموزش و پرورش است.

تحلیل و تطبیق: نوعی بررسی مقایسه ای است که شامل شناسایی، تحلیل و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌هاست. آموزش و پرورش تطبیقی نیز دانشی است که موضوعش شناسایی، تحلیل و مقایسه ی شباهت‌ها و تفاوت‌های پدیده‌های تربیتی است (آقازاده، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴).

خواجه نصیرالدین طوسی: فیلسوف و حکیم بلندآوازه، جامع علوم عقلی و نقلی، ابوجعفر محمدبن محمدبن حسن طوسی، معروف به خواجه نصیرالدین طوسی، از دانشمندان و چهره‌های علمی ایران و شرق زمین به شمار می‌رود. وی در رشته‌های گوناگون و از جمله در اخلاق و تعلیم و تربیت، دارای آثار گران سنگ است (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۱۱۳).

غزالی: ابوحامد محمدبن محمدبن محمد غزالی طوسی از نوابغ بشر و مفاخر ایران است. او متفکری مشهور در اسلام و دارای دانش فراوان و ابتکار بی نظیر بوده است. شخصیت خلاق و کلام اسلامی پویایی داشته است و بسیار نکته سنج و دقیق بوده است (عطاران، ۱۳۷۵، ص ۱۲).

فارابی: محمدبن محمدبن طرخان بن اوزلغ ملقب به ابونصر فارابی و مشهور به معلم ثانی، از بزرگ ترین فیلسوفان مسلمان است. او یکی از شارحان برجسته ی آثار ارسطوست و در نشر اندیشه ی یونانی در میان مسلمین سهمی به سزا دارد (حلبی، ۱۳۵۴، ص ۲۵).

سعدی: ابومحمد مُصلِح بن عَبْدِالله مشهور به سعدی شیرازی (۶۰۶ - ۶۹۱ هجری قمری) شاعر و نویسنده ی پارسی‌گوی ایرانی است. مقامش نزد اهل ادب تا بدان جاست که به وی لقب استاد سخن داده‌اند. آثار معروفش کتاب گلستان در نثر و بوستان در بحر متقارب و نیز غزلیات وی است.

تربیت: به معنای وسیعش یعنی کمک به پیدایش تغییرات مطلوب در افراد است (شعاری نژاد، ۱۳۸۳، ص ۸۹). تربیت عملاً راه و روش زندگی فردی و اجتماعی را تعیین و روشن می‌کند، هر چند که قبول این حقیقت گاهی

برای ما دشوار است. زیرا تغییر رفتار انسان، به تدریج انجام می‌گیرد و این نیز سبب می‌شد که اهمیت نفوذ تربیت در فعالیت‌های روزانه‌ی ما غالباً آشکار و روشن جلوه کند (همان منبع، ص ۹۰ الی ۲۰۵).

آموزه: مجموعه‌ای از نظریات و تعالیم فلسفی-سیاسی، علمی یا مانند آن‌ها است (انوری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۱).

و در این تحقیق نظریات تربیتی-فلسفی دانشمندان مسلمان ایران زمین؛ فارابی، سعدی، غزالی و خواجه نصیرالدین طوسی در حوزه ارکان تربیت است که شامل اهداف، برنامه، روش، معلم و دانش آموز می‌باشد.

هدف: هدف موقعیتی است که می‌خواهیم به آن برسیم. اشتیاق رسیدن به آن، محرک فعالیت‌های معینی است که وصول آن را ممکن می‌سازد. به عبارت دیگر هدف حاوی نتیجه‌ی آموزش است (همان، ص ۳۹).

برنامه: سند و مدرکی است که به عنوان مربی برای انجام دادن کارها و ارزشیابی فعالیت‌های انجام شده در یک دوره معین از زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد (تقی پورظهیر، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

روش: معادل کلمه انگلیسی متد در لغت به معنی قاعده، قانون و اسلوب است و در اصطلاح به معانی گوناگون به کار رفته است. که در اینجا هم شامل روش‌های اصلاحی که هدف آن‌ها، حذف یا کاهش یک رفتار ناپسند، اعم از رفتار ظاهری یا امور درونی همچون تفکرات ناصحیح و ناپسند است، می‌باشد. از جمله این روش‌ها؛ تغافل، تنبیه، ... است. روش‌های ایجاد، مانند: تشویق، تربیت الگویی و هر نوع روشی که در جهت تحقق بخشیدن اهداف تربیتی، معلمان و والدین استفاده می‌کنند، را شامل می‌شود (فرمیپنی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۹).

معلم: معلم اساسی‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی است. وی انسان دانشمندی است که مسئولیت بزرگ تربیت انسان‌ها برعهده اوست و وظیفه‌ی او علاوه بر آموزش، پرورش هم می‌باشد و علاوه بر تعلیم، تربیت را هم برعهده دارد، چرا که این دو از هم تفکیک ناپذیر و جدا نشدنی هستند (شعبانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

دانش‌آموز: دانش‌آموز کسی است که در حال یادگیری و آموختن است، البته در معنی وسیع‌تر آن، درحال یاددهی و یادگیری است و تمام فعالیت‌های تربیتی همانند تدوین هدف، سازماندهی برنامه، تعیین روش و فعالیت معلم، به منظور رشد همه جانبه شخصیت وی انجام می‌گیرد (فرمیپنی، ۱۳۷۹، ص ۱۳).

آموزش و پرورش: به مجموع فرآیند رسمی و غیر رسمی که به رشد تمام توانایی‌های انسان کمک می‌کند، آموزش و پرورش می‌گویند. این توانایی‌ها شامل ظرفیت‌ها، رفتار، دانش، مهارت و نگرش می‌باشد. منظور از آموزش و پرورش همان تربیت و یا همان تعلیم و تربیت است (همان، ص ۴۳).